

روش‌شناسی پاسخ‌گویی به شبهات با استفاده از

مؤلفه‌های عقلی در سیره امام صادق علیه السلام

البرز محقق گرّمی^۱

زین العابدین قربانی^۲

محمد میرزایی^۳

چکیده

اثربخشی در پاسخ‌گویی به شبهات، نیازمند کاربست مؤلفه‌های گوناگون رفتاری، روشی و شناختی است. در سپهر مؤلفه‌های شناختی، دو عنصر عقل و نقل، نقش آفرین هستند. بهره از عقل در دو حوزه رویکردها و گزینش مواد اولیه پاسخ‌ها قابل ارزیابی است. امام صادق علیه السلام به عنوان یکی از هدایتگران توحیدی بشر با شناخت دقیق مغالطات و گره‌های ذهنی شبهه‌گران و حیرت‌زدگان، پاسخ‌های متناسب با آنها را فراهم می‌آورد. این مغالطات گاهی در آشکال غیر منطقی رخ می‌نمود و با روش نادرست استدلال بیان می‌شد. گاهی نیز از یک پیش فرض نادرست بر می‌آمد. در پاره‌ای موارد نیز با گسست یکی از مواد استدلال همراه بود. پاسخ‌گویی به هر یک از این موارد، نیازمند کاربست مؤلفه‌ها و روشی‌هایی است که به خوبی در پاسخ‌های امام ششم علیه السلام هویدا هستند. مهمترین این روش‌ها در هفت رده قابل افراز است: شناخت خاستگاه‌ها و انگیزه‌ها، کشف انواع مغالطات موجود در گزاره‌های حاوی شبهه، نفی حصرگرایی شناختی، بهره از گونه‌های برهان، محسوس سازی معقولات، آگاهی دادن به لوازم شبهه، و بهره‌گیری از دانش‌های تجربی.

واژه‌های کلیدی: شبهه، پاسخ‌گویی، روش‌شناسی علمی، امام صادق علیه السلام، عقل، حدیث.

۱. طلبه سطح ۴ حوزه علمیه خراسان، mohaghegh.gr@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه آزاد لاهیجان، cvbhtfbrd@gmail.com

۳. دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی، mirzaee6515@gmail.com

۱. مقدمه

پاسخ‌گویی به شبهات نیازمند کاربست بایسته‌ها و قواعد عمومی، گفتاری، شخصی و علمی است (زمزمی، ۱۴۱۴: ۱۱۷). از آنجا که پاسخ‌گویی به شبهات بر استنباط، استوار است، بار اصلی آن را عقل به دوش می‌کشد، اما منابع این استنباط، با توجه به مبانی مورد قبول مخاطب، عقلی، نقلی، حسّی، فطری و حتی شهودی می‌تواند باشد؛ چراکه همه این منابع در دستیابی به شناخت و زدودن باور نادرست نقش‌آفرین هستند. سیره معصومان در مقابله با شبهات بر سه بن‌مایه استوار است: پاسداری از آموزه‌های دینی و مذهبی و تلاش برای دفع شبهات احتمالی از منظومه معرفتی، شناسایی شبهات و ریشه‌های آن و نیز کوشش برای زدودن شبهات.

از عصر امام صادق علیه السلام، جنبش‌های فکری، فرهنگی و توجّه به دانش‌های نوین در میان مسلمین رواج یافت. همین موضوع سبب نفوذ آموزه‌های معرفتی هندی، یونانی و ایران باستان در میان مسلمین گشته و بایستگی پرداختن به مباحث اعتقادی را در میان امامان اهل بیت علیهم السلام و پیروانشان افزون کرد. حاکمان عباسی نیز، گرچه به ظاهر خود را متمایل به آزادبودن امامان اهل بیت علیهم السلام در عرصه‌های مختلف نشان می‌دادند، اما در نهان در پی مخدوش نمودن شخصیت ایشان بودند. برای نمونه، منصور دوانیقی، ابوحنیفه را برای شبهه‌گری بر امام صادق علیه السلام تحریک و تشویق نمود. وی نیز چهل شبهه برای این امر آماده نمود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۷: ۲۱۶).

پاسخ‌گویی به شبهات توسط امام صادق علیه السلام در قالب مناظره و شیوه‌های آموزشی دیگر، همراه با اصول و اسلوبي روشمند و در یک فرآیند و ساز و کار منظم است که دقت در آن، روش ایشان را نمایان می‌سازد. به دست آوردن اصول و روش حاکم بر پاسخ‌های امام صادق علیه السلام نیازمند مطالعه، تحلیل و توصیف سیره آن حضرت در احادیث موجود است. نوشتار حاضر در زمره تاریخ روش‌شناسی و در حوزه معرفت‌های نوین علم کلام قرار گرفته که بر مبنای شناخت منظومه معرفتی یک شخصیت مهم (امام ششم شیعیان) در مقام نماینده یک جریان (مذهب شیعه) استوار است.

۲. پیشینه

نگاشته‌های گوناگونی پیرامون بایسته‌های اخلاقی و روش‌های عمومی مناظره،

جدل و گفتگو سامان یافته است. کتابهایی مانند «الحوار، آداب و ضوابطه فی ضوء الكتاب و السنة»، «آداب الحوار و قواعد الاختلاف» و «الحوار، آداب و اخلاق و ثقافة الأئمة» فصلی مستقل پیرامون آداب علمی پاسخ‌گویی به شبهات گشوده اند، اما تنها به مواردی چون دارا بودن دانش کافی، شروع از نقاط مشترک، استقامت در اندیشه و بیان آشکار پاسخ پرداخته‌اند (زمزمی، ۱۴۱۴: ۲۷۷-۴۱۱). نیک روشن است این موارد در رده روش‌شناسی دانش، محور پاسخ‌گویی به شبهات نیستند، بلکه تنها آداب این امر شمرده می‌شوند.

مقالات «روش مناظره و احتجاجات امامان شیعه» به قلم شهابی و «روش مناظره علمی در سیره امامان معصوم» نوشته سید حسن هاشمی اردکانی نیز تنها در گزارش مربوط به مناظرات برخی امامان قابل ارزیابی هستند. دو مقاله «روش‌شناسی علمی پاسخ‌گویی به شبهات در سیره رضوی» و «بایسته‌های گفتاری- رفتاری پاسخ‌گویی به شبهات در سیره رضوی» به قلم محقق گرّمی و خرقانی نیز در پی یافتن الگوهای علمی و آداب رفتاری حاکم بر پاسخ‌های امام هشتم هستند.

برخی از نوشتارهای مهم پیرامون موضوعات مرتبط با پاسخ‌گویی امام ششم نیز، مانند «دفاع امام صادق (ع) از قرآن در برابر شبهات زنادقه»، «اصول و روش‌های حاکم بر مناظرات امام صادق (ع)» و «رویکرد برهانی امام صادق (ع) در مواجهه با پرسش و شبهات اعتقادی» بطور خاص به گزارشی از پاسخ‌های امام پرداخته‌اند. مقاله دوم، با برشمردن گونه‌هایی چون مخاطب سنجی و استفاده از زبان چند بعدی، بیشتر ناظر به جنبه‌های رفتاری پاسخ‌گویی است. نوشتار سوم نیز با تحلیلی عمیق تنها به بررسی براهین ائی و لمّی در گفته‌های ایشان پرداخته است.

با این حال هیچ سازوکار مشخصی برای فرآیند پاسخ‌گویی به شبهات یا دسته‌بندی منطقی ناظر به تبیین روش‌های گوناگون یافت نمی‌شود. هم‌سان‌انگاری میان مناظره و شبهه‌پژوهی یکی از دلایل احتمالی عدم وجود نوشتارهای مستقل در این زمینه است. از این رو پژوهش حاضر از امتیاز دسته‌بندی منطقی، اشتغال بر روش‌های گوناگون و پیمودن فرآیند گام‌به‌گام پاسخ‌گویی به شبهات بهره‌مند بوده و در حوزه روش‌شناسی پاسخ به شبهات، نوین می‌نماید.

۳. مفهوم شناسی

۳-۱. روش شناسی

روش در لغت به معنای حرکت کردن، رفتار، شیوه، اسلوب و سبک (انوری، ۱۳۸۱: ۴؛ ۳۷۳۷؛ دهخدا، ۱۳۷۳: ۸: ۱۲۳۸۷) آمده و در اصطلاح، اسلوب‌ها و راه‌هایی است که رسیدن به حقیقت را میسر می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۳: ۲۰۱۵۴). تبیین، توضیح و نقد روش‌های به کار رفته در یک دانش از راه شناخت راه‌های بهره‌گیری از منابع آن، روش‌شناسی نامیده می‌شود (عارفی، ۱۳۹۸: ۴۱؛ برنجکار، ۱۳۹۸: ۲۶) که به معنای راه رسیدن به شناخت در دانشی خاص است. براین اساس، بررسی منابع، میزان اعتبار و حجیت آنها در رده موضوعات روش‌شناسی قرار می‌گیرند.

۳-۲. معنای لغوی شبهه

شبهه بر وزن فُعله، برآمده از ماده «ش ب ه» به معنای اختلاط، التباس، ابهام، آمیخته شدن حق با باطل، مانده‌ی حق (به مانند حق) و چیزی که درست آن از نادرست آن شناخته نمی‌شود، آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳: ۴۰۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳: ۲۴۳؛ صالح، ۱۳۸۶: ۸۱). این کلمات نشانگر همسانی دو پدیده در ویژگی‌ها، چستی و چگونگی است (راغب، ۱۴۱۲: ۴۴۳). پس هر گاه پدیده‌ای بی‌هوده و باطل، خود را به شکل پدیده حقیقی و استوار در آورد، مورد پذیرش گسترده قرار می‌گیرد. از همین رو آن پدیده نادرست را شبهه گویند.

۳-۳. شبهه در اصطلاح علم کلام

هر دستگاه صحیح فکری، متشکل از دسته‌ای از گزاره‌ها، روند استدلال و نتیجه‌گیری است. برای نمونه، برهان، قیاسی منطقی است که از مقدمات یقینی تشکیل شده و غرض از آن اثبات حق است.

استدلال منطقی + دسته‌ای از گزاره‌های صحیح = دستگاه فکری صحیح

دستگاه شبهه‌سازی دچار اختلال در حداقل یکی از مؤلفه‌های پیش گفته بوده که بر نوعی استدلال یا برهان نیمه‌تمام استوار است. ارکان شبهه عبارتند از: الف) حقیقت؛ ب) مشابه حقیقت؛ ج) وجه مشابهت؛ د) میزانی از مشابهت به حقیقت که سبب خطا می‌گردد.

در علم کلام، شبهه را چنین تعریف کرده‌اند: «ارائه دلایل فاسد و توجیهات

نادرست به منظور حق جلوه دادن باطل و برعکس» (برنجکار، ۱۳۹۸: ۱۸۰). از آنجا که شبهه همیشه از طریق عبارات کلامی منتقل نمی‌شود، این تعریف کامل نمی‌نماید. بر این اساس هر انگاره‌ی استدلال گونه‌ای که یکی از باورهای اعتقادی، عملی و آموزه‌های دینی را به چالش می‌کشد یا سبب کج تابی در شناخت درست آنها می‌شود شبهه نام دارد. این انگاره (گزاره) استدلالی کاملاً منطقی نیست؛ بلکه شبهه استدلال است که منطقی می‌نماید و به شکل پیامی، از طریق گفتار، نوشتار، تصویر و رفتار قابل انتقال است. این پیام (دستگاه ارتباطی) با نمودار کردن بخشی از حقیقت و آمیختن آن به استدلال‌های نادرست درصدد ایجاد چالش و خطا در منظومه معرفتی انسان است. تلبیس، فتنه، مغالطه، إضلال، وراء و جدال نیز گاهی در معنای شبهه به کار می‌روند.

۴. بایستگی پاسخ‌گویی به شبهات از دیدگاه امام صادق (ع)

سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت (ع) گرامی ایشان در مقابله با شبهات، به روش‌شناسایی ریشه‌های ایجاد شبهه، سعی در دفع خطر شبهات از جامعه و در نهایت کوشش در رفع این شبهات جلوه گر است. به گواهی تاریخ، بسیاری از شبهه‌گران سرسخت علیه آموزه‌های توحیدی و اسلام با شنیدن پاسخ‌های امام ششم بر شبهات خود و درک استواری استدلال و روش پاسخ، آیین توحیدی را برگزیدند. گزارشاتی از عنایت ویژه امام صادق (ع) به ایشان مانند دستور به تعلیم خاص آنها توسط اصحاب برجسته نیز یافت می‌شود (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۱: ۳۱۱).

امام صادق (ع) دانشوران آگاه شیعه را در دفاع از عقاید و پاسخ‌گویی به شبهات، به مرزدارانی تشبیه کردند که مانع از شبیخون فکری و معرفتی ابلیس و شیطان گرایان به شیعیان می‌شوند. در ادامه فرمودند: «أَلَا فَمَنْ أَنْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا، كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ لِأَنَّهُ يُدْفَعُ عَنْ أَذْيَانِ مُجَبِّينَا وَ ذَلِكَ يُدْفَعُ عَنْ أَبْدَانِهِمْ؛ پس بدانید هر که اینگونه در مقام دفاع از شیعیان ما بر آید، از کسی که با روم و ترک و خزر (دشمنان اسلام در آن دوره) فضیلتی هزار هزار برابر دارد. زیرا وی از دین دوستداران ما دفاع می‌کند و آن از جسمهایشان» (حرعاملی، ۱۴۱۸، ۱: ۶۰۲).

امام در پاسخ‌گویی به شبهات و پرسش‌ها به شکل شفاهی و مکتوب توجه ویژه‌ای داشتند. به گونه‌ای که بنابر گزارشی، حدود ۱۵۰ نامه از ایشان در پاسخ به انواع سوالات و شبهات پیرامون توحید، چرایی ایمان، نبوت، امامت، حقانیت اهل

بیت، آموزه‌های قرآنی، موضوعات فقهی، فرقه‌های زمانه و امور سیاسی به جا مانده است (احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ۴: ۱۷). رساله معروف به توحید مفضل، یکی از این نگاشته‌هاست که در بردارنده پاسخ شبهات گوناگونی است. استقبال امام از مناظره و گفتگو در مجالس علمی با بزرگان مکاتب فکری مانند خداناباوران، گروه‌های سیاسی و مذهبی، نمونه دیگر از راه‌های زدودن شبهات توسط امام صادق (ع) شمرده می‌شود. به گواهی گزارش‌های روایی تنها یکی از این گفتگوها حاوی ۹۰ شبهه و پرسش پیاپی یکی از خداناباوران است که با حدود ۲۶۰ استدلال امام صادق (ع) همه آنها پاسخ داده شد (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۳۶-۳۵۳).

امام (ع) وظیفه ارشاد ناآگاهان، راهنمایی آنها به معارف دینی و باز داشتن ایشان از انحرافات و شبهات را وظیفه آگاهان به معارف دینی دانسته (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۵: ۳۸۷) و در مقابل، مخاطبان را از جدال با دانشمندان آگاه و همکاری با نادانان پرهیز دادند (همان، ۹: ۵۶۲).

۵. آموزش روش‌های پاسخ‌گویی به شبهات به اصحاب

امام ششم (ع) با فرمودن عبارت «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا؛ رونده بدون آگاهی، مانند کسی است که راه نادرست را می‌پیماید. سرعت سیرش، جز دوری از مقصد چیزی بر او نمی‌افزاید» (برقی، ۱۳۷۱، ۱: ۱۹۸)، اهمیت و ضرورت آگاهی از روش‌شناسی در امور معرفتی را با تمثیلی گویا آشکار ساختند. بنا بر گزارش‌های روایی، امام (ع) بر آموزش روش‌های مناظره و پاسخ‌گویی شبهات، به اصحاب و شاگردان خویش توجه ویژه‌ای داشتند. یکی از این اخبار جریان پاسخ‌گویی امام به شبهه‌ای پیرامون توحید است که عبارات پایانی آن از زبان هشام بن حکم چنین گزارش شده‌است: «أَفْهَمْتُ يَا هِشَامُ فَهْمًا تَدْفَعُ بِهِ وَ تُنَاضِلُ بِهِ أَغْدَاءَنَا الْمُتَخَذِينَ مَعَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ غَيْرَةً؟» ای هشام، آیا فهمیدی چنان فهمیدنی که به آن دفع کنی و مخاصمه نمایی با دشمنان ما و آنان که غیر خدای عز و جل را با او قرار می‌دهند؟» (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۲۸۱). نصر بن سوید که این گزارش را از هشام نقل کرده، از قول وی می‌گوید که با آموختن این مسأله کسی نتوانست زان پس در مناظره‌ای پیرامون توحید بر او چیره شود.

ایشان در توصیه‌ای به دانشوران پیرو مکتب اهل بیت فرمودند: «با مخالفان بحث کنید و راه هدایت را که خود در آن هستید برای آنها تبیین کنید و گمراهی آنها را

توضیح دهید و با مخالفان علی (ع) مباحثه کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰: ۴۵۳). در این فرمایش، کلمه ضلالت بر هرگونه کج‌روی و گمراهی اطلاق داشته و هم به مواد نادرست استدلال اشاره دارد و هم روش آن.

هم چنین در نامه‌ای به مفضل بن عمر، تقوای الهی و اطاعت از همه دستورات پرودگار را تنها مایه نجات بخش بشر از آتش‌های معرفتی و اخلاقی معرفی کرده و کاربست آن را مایه هدایت یابی در شبهات دانسته‌اند (صفار، ۱۴۰۴، ۱: ۵۲۶).

۶. روش‌های علمی پاسخ‌گویی به شبهات توسط امام صادق (ع)

پاسداری از مرزهای عقیدتی پهنه اسلام و دعوت از حیرت‌زدگان، به دو عامل کنش‌های خرد ورزانه و راهنمایی مشفقانه وابسته است (نحل: ۱۲۵). در این فرآیند، کاربست براهین استوار، با سرشت آدمی هم سو بوده و در زدودن سرگشتگی‌های معرفتی نقش بنیادین دارد. مجموعه این براهین برآمده از گزاره‌های عقلی و نقلی بوده و با بهره از عقل ابزاری در هر دو رده، روند استدلال را سامان می‌دهند.

کاربست روش‌های خردمندانه تا بدانجاست که رفتار و سبک گفتاری تبیین پاسخ‌ها توسط مجیب باید دربردارنده مؤلفه‌های عقلانی باشند. امام صادق (ع) یکی از ویژگی‌های پاسخ‌های مناسب را بلاغت دانسته و آنرا اینگونه تعریف کرده‌اند: «لَيْسَتْ الْبَلَاغَةُ بِجَدَّةِ اللَّسَانِ وَلَا بِكَثْرَةِ الْهَدْيَانِ وَ لَكِنَّهَا إِصَابَةُ الْمُعْنَى وَ قَصْدُ الْحُجَّةِ؛ بلاغت به تیزی زبان یا سخنان عجیب نیست، بلکه به رساندن معنا و با قصد حق‌گویی است» (حرّانی، ۱۴۰۴: ۳۱۲). در این تعریف، حوزه گفتاری پاسخ‌گویی اثربخش، با اساسی‌ترین رکن بیان الفاظ یعنی افاده معنا، سنجیده می‌شود. نیک روشن است، کلامی در دلالت بر معنا آشکارتر است که گوینده آن، در بهره از گوهر خرد برای انتقال معنا، بیشتر سود جوید.

امام ششم شیعیان برای پاسخ‌گویی به شبهات از گونه‌های مختلف انتقال معانی مانند گفتگو، سخنرانی، مناظره، وعظ، نامه‌نگاری و حتی روش‌های رفتاری بهره برده و با استفاده از کنش‌ها و واکنش‌های متناسب، سرگشتگی‌های معرفتی و گره‌های فکری آنها را می‌گشودند. رویکرد دانش محور امام صادق (ع) در این گونه‌ها، بر بهره از گزاره‌های عقلی و نقلی استوار است. در پاره‌ای موارد نیز از هر دو نوع گزاره به شکل مرکب، بهره برده شده‌است. از این رو نمی‌توان تقسیم مستقلی از هریک از دو رده

گزاره‌های نقلی و عقلی ارائه داد. به همین جهت، پژوهش حاضر نیز از رده بندی رویکرد علمی به دو گونه عقلی و نقلی، خودداری کرده است.

براهین استوار بر عقل نیز سامانه‌ای از تصورات و تصدیقات بدیهی آدمی هستند که در شناخت و ادراک وی، نقشی بنیادین دارند. در اصطلاح علم منطق، مفاهیمی که به سبب بساطت و شناخته شده بودن، حصول آنها متوقف بر کسب، نظر و تعریف حدی یا رسمی نباشد، بدیهی خوانده می‌شوند (مطهری، ۱۳۶۴، ۶: ۳۳۳). این مفاهیم بی‌واسطه در ذهن قابل درک هستند. خرد همه آدمیان به صحت این مفاهیم گواهی می‌دهد و هیچ کسی در هیچ زمانی، در استواری و درستی آنها تردید نمی‌کند. در علم منطق واژگان ضروری، اولی و بدیهی مرادف با یکدیگر شمرده می‌شوند.

نیک روشن است کاربست روش‌های علمی از سوی امام صادق علیه السلام، به معنای «عقل گرایی اعتدالی» است که استدلال و ژرف اندیشی در آموزه‌های دینی را سرلوحه خود قرار داده ولی عقل را تنها راه شناخت نمی‌داند (عارفی، ۱۳۹۸: ۴۳۹). در این راهبرد، از گوهر خرد در دو سپهر عقل ابزاری و عقل مستقل بهره برده می‌شود و مواد استدلال و روش آنرا بر مؤلفه‌های مورد قبول عقل بنا می‌نهد. این فرآیند، به مقتضای ماده اولیه شبهه و روش استدلال شبهه‌گر، در هر پاسخی شکلی ویژه به خود می‌گیرد. از این رو بایسته است تا روش‌های گوناگون پاسخ به شبهات در سیره امام صادق علیه السلام با در نظر داشتن ماده اولیه استدلال و نیز روش استدلال، افزاز شوند.

افزون بر این موارد، برخی ویژگی‌های خاص جایگاه امامت در امام صادق علیه السلام سبب زدوده شدن شبهات افراد می‌شد. نمونه‌ای از این موارد، تکلم امام به زبان عبری است (صفار، ۱۴۰۴، ۱: ۳۳۴). به نظر می‌رسد روش‌های مبتنی بر مسائل شهودی و مخاطب قرار دادن فطرت و جان مخاطب، نیازمند بهره‌مندی از آگاهی‌هایی مختص معصومین است که از دسترس عموم افراد خارج است. از این رو این موارد را نمی‌توان در رده روش‌های علمی جانمایی کرد.

۶-۱. کشف مغالطات موجود در شبهه

مغالطه، شکل نادرستی از استدلال است که نتیجه آن از مقدمه یا مقدماتش پیروی نمی‌کند. این نادرستی یا در ماده استدلال نهفته است یا در روش آن و یا در هر دو. کشف مغالطات موجود در یک گزاره، اولین گام در پاسخ‌گویی به شبهات شمرده می‌شود. پربسامدترین مغالطاتی که امام صادق علیه السلام به کشف آنها در گزاره‌های

حاوی شبهه پرداخت عبارتند از: قیاس نادرست، تشبیه نادرست، بهانه جویی، تفسیر نادرست، ادعای بدون دلیل و پیش فرض‌های نادرست.

۶-۱-۱. قیاس ناروا

قیاس را ملحق کردن حکم فرع به حکم اصل، به سبب اشتراک آنها در ریشه دانسته‌اند (حکیم، ۱۹۷۹: ۲۰۳). اصولیان شیعه نیز قیاس را «اثبات الحکم فی محل العلة لثبوتها فی محل آخر لتلك العلة؛ اثبات کردن حکم در جایگاهی که علت وجود دارد، به سبب ثابت بودن آن حکم در محلی دیگر با همان علت» دانسته و در عدم حجّیت آن در عرصه فقه فی الجمله اختلافی ندارند (سبحانی، ۱۴۲۳: ۸۴). گرچه حجّیت قیاس منصوص العلة و قیاس اولویت محل اختلاف اصولیان امامی است (همان).

امام با فرمودن عبارت «فَدَعَوْا الرَّأْيَ وَ الْقِيَّاسَ فَإِنَّ دِينَ اللَّهِ لَمْ يُوضَعْ عَلَى الْقِيَّاسِ؛ نظرات شخصی و قیاس را واگذارید، چراکه دین خدا بر اساس قیاس وضع نشده است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲: ۲۸۶)، اصل ناکارآمدی قیاس را تبیین کرده و از کاربرست آن در امور معرفتی زنهار دادند. هم‌چنین با فرمودن جمله «مَا أَرَأَيْكَ تُحْسِنُ أَنْ تُقَيِّسَ شَيْئًا؛ در تو نمی‌بینم که بتوانی چیزی را به خوبی قیاس کنی» به ابوحنیفه و طرح پرسش‌هایی از وی (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۶۰) به ناکارآمدی قیاس اشاره فرمودند. از بیان این نمونه‌ها چنین بر می‌آید که ایشان در پی آشکار ساختن لنگ ماندن قیاس در فهمیدن مناط و ملاک پدیده‌هاست. چون هر پدیده‌ای ساز و کار مخصوص به خود را دارد و با قیاس دو وجه متشابه از دو پدیده، نمی‌توان حکم یکی را به دیگری تسری داد.

امام صادق (ع) با فرمودن عبارت «مَنْ دَعَا غَيْرَهُ إِلَى دِينِهِ بِالْإِزْتِيَاءِ وَ الْمَقْيَاسِ لَمْ يُنْصَفْ؛ کسی که دیگران را به باور خود بوسیله قیاس بخواند، انصاف نورزیده است» (برقی، ۱۳۷۱، ۱: ۲۰۹) گزینش امام از راه قیاس را عملی ناروا ارزیابی نموده و نخستین قیاس گر را ابلیس معرفی کردند. هم‌چنین با فرمودن عبارت «فَقَاسَ بَيْنَ النَّارِ وَ الطِّينِ وَ لَوْ قَاسَ نُورِيَّةَ آدَمَ بِنُورِيَّةِ النَّارِ عَرَفَ مَا بَيْنَ التَّوَرَيْنِ وَ صَفَاءَ أَحَدِهِمَا عَلَى الْآخَرِ؛ وی بین آتش و گل قیاس کرد. ولی اگر بین نورانیت آدم با نورانیت آتش مقایسه می‌کرد، تفاوت دو نور و برگزیدگی یکی بر دیگری را می‌فهمید» قیاس‌های ناروا را یکی از علت‌های ایجاد شبهات دانسته‌اند (عاملی نباطی، ۱۳۸۴، ۳: ۲۱۲).

بر اساس شبهه یکی از معارضان ادیان در عصر امام صادق علیه السلام، پیامبران به علت ناآگاهی از دانش پزشکی از دنیا رفتند و چون از این دانش بی بهره بودند شایسته نیست آنها را پیام آور خدا خواند. امام علیه السلام در پاسخ این شبهه چنین فرمودند: «فَمَا نَصْنَعُ عَلَى قِيَّاسِ قَوْلِهِمْ بِعِلْمٍ زَعَمُوا لَيْسَ تَعْرِفُهُ الْأَنْبِيَاءُ؛ ما با این افراد که به قیاس، گمان کرده اند انبیاء علم طب نمی دانستند چه کنیم؟» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰: ۱۷۲). در این عبارت علت ایجاد شبهه پیش گفته، مقایسه کردن علت مرگ انبیاء با علت مرگ مردمان عادی شمرده شده، چرا که مردم معمولاً در اثر بیماری و رنج‌های حاصل از ناآگاهی برای مداوای آن می‌میرند ولی دلیل مرگ انبیاء که خود خزانه‌داران دانش‌های مختلف هستند (همان) ناآگاهی از پزشکی نیست.

۶-۱-۲. تشبیه ناروا

نفوذ اندیشه‌های یونانی و یهودی در میان مسلمین، سبب اشاعه مهم‌ترین مؤلفه نظام شناختی آنها یعنی تشبیه‌گرایی در میان جریان‌های فکری جهان اسلام شد (شهرستانی، ۱۳۶۴، ۱: ۱۲۱).

یونس بن ظبیان، پاسخ امام صادق علیه السلام به شبهه فردی درباره رؤیت پرودگار را با عبارت «لَمْ تَرَهُ الْأَبْصَارُ بِمُشَاهَدَةِ الْعَيْنِ وَ لَكِنْ رَأَتْهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ لَا يُدْرِكُ بِالْحَوَاسِّ وَ لَا يُقَاسُ بِالنَّاسِ مَعْرُوفٌ بَغَيْرِ تَشْبِيهِ؛ دیدگان هنگام نظر افکندن او را درک نمی‌کنند. با حواس درک نمی‌شود و با مردمان مقایسه نشود، بی هیچ تشبیهی شناخته شده است» (علم الهدی، ۱۹۹۸، ۱: ۱۵۰) گزارش می‌کند. در این استدلال، امام علیه السلام، تشبیه رؤیت الهی به نحوه ادراک موجودات به وسیله چشم را مایه ایجاد شبهه دانسته‌اند. امام ششم شیعیان در پاسخ به یکی از شبهات ابن ابی العوجاء، پیرامون مکان پروردگار، شبهه او را برآمده از تشبیه پرودگار به موجودات مادی دانسته و با بیان برخی آموزه‌های بنیادین توحید، تجسیم پرودگار را باوری نادرست تبیین کردند (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲: ۶۶).

امام علیه السلام در پاسخ شخص شبهه‌گری که صحت سجده فرشتگان بر آدمی را با اصل بطلان سجود بر غیر پرودگار ناهم‌خوان می‌دانست، فرمودند: «إِنَّ مَنْ سَجَدَ بِأَمْرِ اللَّهِ سَجَدَ لِلَّهِ إِذَا كَانَ عَنْ أَمْرِ اللَّهِ؛ کسی که به امر پروردگار سجده می‌کند بر خدا سجده کرده است اگر از امر الهی باشد» (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۳۹). نیک روشن است که در این نمونه، شبهه‌گر، انگیزه و ملاک سجده فرشتگان بر آدم را با انگیزه و ملاک

موجودات در پرستش غیر خدا یکی دانسته و از راه تشبیه، نادرستی سجده فرشتگان بر آدم را نتیجه گرفته است. امام نیز، این گونه از تشبیه را ناروا دانسته و انگیزه فرشتگان از سجده بر آدم را اتیان دستور پروردگار ارزیابی فرمود.

۶-۱-۳. مغالطه بهانه جویی

بهانه جویی یکی از روش‌های مخالفت با یک گزاره یا رفتار و گونه‌ای از شبهه‌گری است. در این رویکرد، عبارات حاوی استدلال فرد مخالف، لزوماً نادرست نیست ولی در مقابل ادعای وی ناچیز شمرده می‌شود. برخی بهانه‌ها نیز اساساً بهره‌ای از واقعیت ندارند.

یکی از شبهه‌گران عصر امام صادق (ع) معتقد بود اگر انسانی به سوی خدا می‌رفت و دوباره از سوی او باز می‌گشت، یقین مردم به وجود خدا بیشتر می‌شد. امام (ع) با فرمودن جمله «أَنْتَ لَا تُؤْمِنُ بِمَا لَمْ تَرَهُ بِعَيْنِكَ وَ فِيمَا تَرَاهُ بِعَيْنِكَ كِفَايَةٌ أَنْ تَفْهَمَ وَ تَعْقِلَ؛ تو فقط به چیزی ایمان داری که با چشم می‌بینی. و البته در همین مقدار نیز، چیزهای دیدنی برای تو کافی است اگر به دقت فهم و تعقل کنی» بهانه جویی را مایه ایجاد شبهه وی دانسته و نمونه‌های فراوانی از پدیده‌های هستی مانند رسیدن نور خورشید به زمین، فرو آمدن باران از آسمان، تکلم الهی با موسی (ع) و عروج عیسی (ع) را مواردی دانست که توجه کافی در آنها سبب یقین آدمی به وجود تدبیرگر عالم می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰: ۱۷۵).

هم چنین در پاسخ شبهه افزایش یقین با بازگشت یکی از مردگان، این شبهه را بر ساخته ناباوران پیامبران دانسته و بیان انبیاء درباره ویژگی‌ها و احوال مردگان و عالم پس از مرگ را برای یقین به سرای آخرت کافی دانست. افزون بر این، برای بیان روش نادرست استدلال وی، نمونه‌هایی از افرادی که پس از مرگ به دستور پروردگار، زنده شدند را برشمرده و داستان ارمیاء نبی، حزقیل (ع) و موسی (ع) را برای او باز گو کرد (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۴۴). از این بیان امام ثابت می‌شود با وجود این موارد، بهانه‌ای برای نپذیرفتن وجود عالم آخرت باقی نمی‌ماند.

۶-۱-۴. تفسیر نادرست

مغالطه تفسیر نادرست، یکی از روش‌های ایجاد شبهه مغالطه کردن با تفسیر نادرست از گزاره‌هاست. در این گونه از مغالطه، گزاره‌های شناختی به درستی و بی افزایش و کاستی در مصدر اصلی، بیان می‌شود. اما در بیان مراد جدی و مقصود گزاره،

انحراف عمدی ایجاد می‌شود. قرائت نادرست و خود خواسته از گزاره‌های صحیح، بنیان این نوع از مغالطه است.

برای نمونه، امام علیه السلام علت گرایش به تناسخ و شبهه‌گری ماده‌گرایان در معاد را بر آمده از تفسیر نادرست ایشان از عبارت «أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ؛ خداوند آدم را بصورت خودش خلق کرد» دانسته و بدون برهان بودن را یکی از شاخصه‌های روش‌شناختی ایشان معرفی کرد (حر عاملی، ۱۴۱۸، ۱: ۲۶۰). یکی از شبهه‌گران نیز، جواز ازدواج با محارم در میان زردشتیان را به پیروی ایشان از سنت فرزندان آدم مستند کرده بود. امام علیه السلام این انگاره را ناشی از تفسیر نادرست این جریان و کاستی آگاهی‌های شبهه‌گر دانسته و با طرح سؤالاتی وی را به نادرستی این باور رهنمون شدند. معلوم نبود ازدواج فرزندان آدم با یکدیگر به نحو یقینی و چرایی عدم جواز ازدواج با مادر و دختر، اساسی‌ترین اشکالات امام صادق علیه السلام به این شبهه بود (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۴: ۴۶۲).

۶-۱-۵. ادعای بدون دلیل

برخی از مغالطات تنها ادعاهایی هستند که شبهه‌گر هیچ دلیلی بر آنها اقامه نمی‌کند و تنها با تکرار انبوه آن سعی در رواج آن دارد. کاربست واژگان مبهم و مفاهیم غیر قابل اثبات یا رد نیز، گونه‌های این مغالطه هستند.

یکی از شبهات عصر امام صادق علیه السلام نزدیکی بیشتر مجوسیان به حقایق معرفتی و فاصله اعراب عصر جاهلیت از آن بود. امام صادق علیه السلام این انگاره را ادعای بدون دلیل دانسته و نمونه‌های فراوانی را در مخالفت با این باور شمردند. از جمله اینکه در میان اعراب جاهلی، غسل مردگان، دفن آنها، غسل جنابت، حرمت مباشرت با محارم، اعتقاد به کتب آسمانی گذشته و پرسشگری از اهل کتاب اموری پذیرفته شده بود در حالیکه مجوسیان با این آموزه‌های دینی، مخالفت می‌کردند. ایشان پس از فرمودن این نمونه‌ها، نتیجه خویش را با عبارت «كَانَتْ الْعَرَبُ فِي كُلِّ الْأَسْبَابِ أَقْرَبَ إِلَى الدِّينِ الْخَنِيفِيِّ مِنَ الْمَجُوسِ؛ اعراب در همه راه‌ها، به دین حنیفی ابراهیمی نزدیک‌ترند تا مجوسیان» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰: ۱۸۰) بیان فرمودند.

هم چنین انگاره باورمندان به تدبیرگری ستارگان در هستی را ادعای بدون دلیل دانسته و با فرمودن عبارت «يَخْتَاخُونَ إِلَى ذَلِيلٍ أَنَّ هَذَا الْعَالَمَ الْأَكْبَرُ وَالْعَالَمَ الْأَصْغَرَ مِنْ تَدْبِيرِ التَّجُومِ الَّتِي تَسْبَحُ فِي الْفَلَكَ؛ آنها نیازمند دلیلی هستند که این عالم پهناور

و عالم کوچکتر با اراده و تدبیر ستارگانی که خود در مدارهایشان شناورند اداره می‌شوند» (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۴۷) پوشالی بودن این ادعا را تبیین نمودند.

۶-۱-۶. کشف و اصلاح پیش‌فرض‌های نادرست (مواد نادرست استدلال)

شبهات یا در اثر کاربست مواد نادرست شکل می‌گیرند یا به سبب روش‌های نادرست استدلال و یا ترکیبی از هردو. کشف پیش‌فرض‌ها و مقدمات نادرست دستگاه شبهه‌سازی در فرآیند پاسخ‌گویی به شبهات نقش بنیادین دارد.

امام صادق (ع) در پاسخ به شبهه چرایی ایمان نیاوردن همگی انسان‌ها با وجود قدرت خداوند بر این امر، نتیجه مؤمن آفریدن همه انسانها در ابتدای خلقشان را لغویت نظام جزا و پاداش دانسته و لزوم کفر ورزی عده‌ای را اینگونه تبیین فرمودند: «تا آنان به دو گروه پیروی کنندگان و عصیان‌گران تقسیم شوند و گروه اول به سبب طاعتشان ثواب برند و دسته دوم به سبب گناهشان، عقاب را بچشند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰: ۱۷۰). در این شبهه، پیش‌فرض مفید بودن ایمان همه انسان‌ها، صحیح انگاشته شده، اما امام (ع) با تبیین نتایج زیان‌بار این پیش‌فرض، نادرستی آن را به اثبات رساندند.

هم‌چنین در شبهه وجود جبر در انجام گناهان به واسطه آفریدن ابزار آنها، ماده اولیه این استدلال را نادرست دانست. چرا که وجود ابزارهایی برای انجام گناه، لزوماً به معنای جواز ارتکاب گناه یا ضرورت آن نیست. امام (ع) از راه اشاره به مختار بودن در بهره‌گیری از ابزارهای هستی برای اعمال صالح یا ناروا، بطلان نتیجه شبهه، یعنی جبری بودن گناهان را به اثبات رساندند (طبرسی، ۱۴۰۳، ۱: ۳۴۱).

۶-۱-۷. مغالطه کنه و وجه

یکی از مغالطات رایج در شبهه‌گری رویکردی است که به «مغالطه کنه و وجه» یا «هیچ نیست به جز...» نام بردار است. این مغالطه یکی از ویژگی‌های یک پدیده را چنان برجسته گزارش می‌کند که گویی ویژگی‌ها و صفات دیگر موجود در آن پدیده هیچ نقشی در حدوث یا قوام آن ندارند. به دیگر سخن، منحصر کردن جنبه‌های مختلف یک پدیده، در وجهی خاص و گستراندن ویژگی‌های این وجه به ماهیت یا تمام افراد آن پدیده، مغالطه‌ای است که یک وجه دیده می‌شود و آن وجه به کنه آن پدیده نسبت داده می‌شود. مغالطه ترکیب نیز گونه‌ای از این مغالطه است که از تسری اوصاف اجزا یا افراد یک مجموعه به کل آن مجموعه حاصل می‌شود.

برای نمونه شبهه‌گری با برجسته کردن یکی از ویژگی‌های نوشیدنی‌های الکلی یعنی احساس لذت و سرمستی در جعل حرمت برای آن تشکیک می‌نمود. امام صادق (ع) با آگاهی از روند استدلال او به تبیین وجوه دیگر نوشیدنی‌های الکلی یعنی زوال عقل، تجزّی بر معصیت و خدشه‌گری در سلول‌های مغزی محل تفکر پرداخته و ویژگی مورد نظر شبهه‌گر را خصوصیتی گذرا برای آن دانست (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۵: ۳۱۷).

۶-۲. گستراندن مؤلفه‌های شناختی و نفی انحصار‌گرایی معرفتی

تنگ کردن گستره شناخت به رویکرد، روش و منبعی خاص و نیز غفلت کردن از سایر روش‌های شناخت را حصر‌گرایی روش‌شناختی می‌نامیم. نتیجه این روش، ایجاد شبهات شناختی خواهد بود. یکی از رویکردهای پاسخ‌گویی به شبهات، برانگیختن مخاطب بر توسعه بخشی به منابع معرفتی خویش است.

یکی از گونه‌های انحصار‌گرایی معرفتی، انحصار اثبات وجود در درک وجود خارجی است. راهکار زدودن شبهات بر آمده از این رویکرد، اثبات فرازمندی سایر منابع شناختی برای فهم وجود است. برای نمونه، امام صادق (ع) در پاسخ شبهه زندیقی که عدم وجود خالق برای هستی را به درک نکردن وی با حواس مستند کرده بود، به تبیین راه‌های شناختی دیگر مانند تفکر و بهره‌ای از خرد برای اثبات وجود خدا پرداخت (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰: ۱۹۵). هم‌چنین در پاسخ به خدا ناباوری از اهالی مصر، وی را به ناتوانی اش در شناخت بسیاری از پدیده‌ها توجه داده و انحصار راه‌های شناخت را در گمانه زنی، امری ناروا و ناشی از فهم نادرست دانسته و انکار وی در مساله وجود پروردگار را برآمده از کمبود آگاهی‌های وی از راه‌های معرفتی ارزیابی نمودند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۱: ۳۱۰).

هم‌چنین خدا ناباوری با گفتن عبارت «به چه دلیلی فرزند خردسال بدون انجام هیچ جرمی باید دچار بیماری‌ها شود؟» درصدد وارد کردن شبهه عدم تناسب مجازات با اعمال در موضوع بیمارشدن کودکان بود. امام صادق (ع) شبهه او را برآمده از منحصر کردن علل بیماری نوزاد در تغذیه نامناسب و بیماری مادر دانسته و با فرمودن عبارت «بیماری بر چند نوع است: برای امتحان، برای عقوبت و نیز مرضی که سبب مرگ می‌شود. ولی تو گمان می‌کنی که بیماری تنها ریشه در غذا و نوشیدنی آلوده دارد یا به سبب بیماری مادر اوست» گونه‌های بیماری را برای او شرح نمود (طبرسی، ۱۴۰۳،

۲: ۳۴۱). در این استدلال، گونه‌ای از بیماری تنها بر اثر زوال اعضای بدن رخ می‌نماید و گونه‌ای دیگر بیماری‌هایی است که وظیفه ستاندن جان بیمار را دارند.

امام (ع) با نفی حصر گرایی روش‌شناختی، تفکر در علل هستی و اصیل دانستن آموزه‌های وحیانی انبیاء را راهی برای درک وجود پرودگار دانسته و از این راه به شبهات پیرامون عدم فهم وجود پرودگار پاسخ گفتند (فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۸۱).

۳-۶. کاربست برهان

برهان در لغت به معنای بیان حجت آشکار بوده که شایستگی صدق حتمی و همیشگی دارد (راغب، ۱۴۱۲، ص ۱۱۲). در اصطلاح نیز، مهارتی در استدلال است که از طریق ترکیب مقدمات یقینی به نتیجه‌ای یقینی می‌انجامد (قراملکی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸). این مقدمات یقینی همان مواد اولیه استدلال‌اند که از منابع شناختی مانند حس، تجربه، منقولات و معقولات حاصل می‌آیند. امام صادق (ع) در مقام ابطال شبهات و زدودن انگاره‌های نادرست از گونه‌های مختلف برهان بهره می‌گرفتند. ایشان همچنین، معرفت جویان را به فهم و تحلیل گزاره‌ها برای شناخت حکمت‌های معارف توصیه می‌نمودند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳: ۴۱۰).

بهره از برهان در سیره امام صادق (ع) چنان آشکار بود که مخالفان ایشان نیز بدان اقرار داشتند. برای نمونه، ابن ابی العوجاء، سیره امام صادق (ع) در شنیدن دقیق مسائل و استوار سازی جوابها بر برهان معقول را به مفضل یاد آوری کرد (احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ۴: ۷۶). برخی از مهمترین براهین و مصادیق برهانی به کار رفته در سیره امام ششم (ع) عبارتند از: برهان معقولیت، آتی، خلف، سبر و تقسیم.

۱-۳-۶. برهان معقولیت

این برهان برای اثبات وجود پروردگار و معاد موجودات برگزاره‌ای از علوم احتمالات استوار است. بر این اساس، اعتقاد به وجود خدا و لوازم آن از عدم این باور، عقلانی تر است (محمدرضایی، ۱۳۸۳: ۱۱). چراکه باور اول، سعادت جاودانه را در بر دارد و خداناباوری، زیان‌های فراوان اخروی در پی خواهد داشت. از دیگر سو، خداناباوری هیچ زبانی در بر ندارد. پیشینه این برهان را که با عنوانی چون «عقل محض»، «ساختار جالب»، «اصل احتیاط»، «وجوب دفع ضرر محتمل» و «شرطیه پاسکال» نام بردار است (میناگر، ۱۳۹۸: ۷۰)؛ در روایات اهل بیت نیز می‌توان جست (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۸: ۸۷).

امام صادق علیه السلام خردورزی را منبع بنیادین آگاهی‌های شناختی دانسته و حاصل آن را هدایت یافتن آدمی، شناخت پرودگار، درک حسن و قبح پدیده‌ها، ایجاد اخلاق نیک، رسیدن به آسودگی مادی و معنوی و بهره از نعمات الهی در دنیا و آخرت معرفی می‌کند (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۵۳-۵۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۷: ۱۵۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۲، ۱: ۱۰۹).

ایشان در یکی از گفتگوهای علمی با ابن ابی العوجاء با استفاده از همین روش فرمودند: «اگر قضیه، آنگونه باشد که تو می‌گویی - در حالی که آنگونه هم نیست - ما نجات خواهیم یافت و تو هم نجات می‌یابی. ولی اگر آنگونه باشد که ما می‌گوییم ما نجات می‌یابیم و شما هلاک می‌شوید» (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۳۶). با این بیان، باور به مکتب توحید را ارزشمند و معقول دانسته و انکار معاد را مایه خسارت منکران دانستند (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۱۹۴). هم‌چنین، باور به قَدَم هستی با استدلال بر عدم تغییر در اشیاء را استدلالی غیر عقلانی دانسته‌اند (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۲۹۷).

در گزارش‌های روایی، گونه‌های دیگری از دعوت امام به بهره‌وری از خردورزی برای زدودن شبهات نیز وجود دارند. برای نمونه در انتقاد به یکی از باورمندان به فرقه معطله، فرمودند: «اگر سنگی را ببینی که در هوا بالا می‌رود، می‌فهمی که کسی آنرا پرتاب کرده است. این آگاهی از طریق دیدن حاصل نشده، بلکه به وسیله عقل بوجود آمده است. چون عقل این پدیده را تحلیل می‌کند و نتیجه می‌گیرد که سنگ به خودی خود به بالا نمی‌رود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳: ۱۴۶).

۲-۳-۶. برهان سبر و تقسیم

سبر در لغت به معنای بررسی و آزمایش و تقسیم به معنای بخش کردن چیزی آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۷: ۲۵۱؛ جوهری، ۱۳۷۶، ۵: ۲۰۱۰). منظور از این برهان، بررسی همه احتمالات مختلف در پاسخ به یک موضوع و رد کرن احتمالات نادرست با هدف باقی ماندن تنها احتمال صحیح است. در قرآن کریم نیز از این روش بهره‌جسته شده است (انعام: ۱۴۳-۱۴۴). بررسی تمامی جوانب یک گزاره، راه‌گرایز را بر شبهه‌گر خواهد بست. استفاده از گونه‌های مختلف دسته‌بندی بنابر اعتبارات گوناگون، برای استوار سازی این برهان نیز بسیار مفید خواهد بود.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به شبهه‌گری ابن ابی العوجاء پیرامون غیر مخلوق بودن موجودات، با استفاده از همین برهان، وی را به وجود خودش متوجه ساخته و با طرح

دو حالت احتمالی مخلوق بودن و مخلوق نبودن وجود او، حالت دوم را با استدلال بر چرایی وجود شکل ظاهری افراد رد نمودند (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۱۹۰).

۳-۳-۶. برهان خلف

اثبات یک قضیه با استفاده از تناقضی که در نقیض آن وجود دارد را «برهان خلف» می‌نامیم. قرآن کریم برای اثبات الهی بودن خود با استناد به آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛ آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند» (نساء: ۸۲) و نیز یگانگی پروردگار در آیه «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا؛ اگر در آسمان و زمین، جز «الله» خدایان دیگری بود، فاسد می‌شدند (و نظام جهان به هم می‌خورد)!» (انبیاء: ۲۲) از این روش بهره جسته است.

استفهام انکاری و طرح پرسش‌های انگیزشی درباره نقیض انگاره شبهه ناک نیز، راهکارهایی برای بهره‌وری از این برهان هستند. امام صادق (ع) در پاسخ به شبهه ازلی بودن هستی، لازمه این باور را عدم تغییر پذیری و نابودی اجزاء هستی دانستند. و از آنجا که به آشکاری، همه موجودات هستی در حال تغییر بوده و در معرض نابودی قرار دارند، پس باور به انگاره قدیم بودن هستی استوار نمی‌نماید (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۱۹۱).

هم چنین در پاسخ شبهه «كَيْفَ لَا يَقْتَصِرُ عَلَى هَذِهِ الدَّارِ فَيَجْعَلُهَا دَارَ ثَوَابٍ وَ مُخْتَبَسَ عِقَابٍ» (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۳۸)، نتیجه عدم وجود عالم دیگر را بی‌ثمر ماندن نتیجه اعمال و طغیان گری آدمی دانسته و از راه بدیهی بودن بطلان این نتیجه، ضد آن، یعنی حقانیت باور به سرای آخرت را اثبات نمودند.

۴-۳-۶. برهان تمناع

یکی از براهین پر بسامد در میان متکلمان توحید محور، مفهومی است که به «برهان تمناع» یا «تغالب» نام بردار است. این برهان، وجود دو خدای مدبر را مستلزم حاکمیت دو تدبیر بر عالم و ثابت کننده عجز یکی از آن دو می‌داند. آیاتی از قرآن (انبیاء: ۲۲؛ مؤمنون: ۹۱) نیز این برهان را پشتیبانی می‌کنند.

امام صادق (ع) در پاسخ به شبهه چرایی عدم جواز وجود چند خالق، از این برهان بهره گرفتند. ایشان، شقوق متصور در باور به دو خدای را سه حالت دو خدای

قدرتمند، دو خدای ضعیف و نیز یک خالق ضعیف و یک خالق قوی دانسته و این سه حالت را مردود دانستند. چرا که وجود قدرت در هر دو، عاملی جهت نزاع آن دو بوده و در نهایت یکی دفع می‌شود. و نیز وجود ضعف در یکی یا هر دو مایه نابودی آنها می‌گردد. به این ترتیب، پیش فرض وجود دو یا چند پروردگار در هستی نادرست بوده و تنها صورت باقیمانده، وجود یک خالق برای هستی خواهد بود (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۱۹۹).

۵-۳-۶. برهان علیت

نیازمندی هر معلول به علت امری فطری و بدیهی است. مشاهده جهان به عنوان بزرگترین معلول، به وجود آفریدگاری برای آن، که علت خلق آن است، رهنمون می‌شود. پی بردن از معلول به وجود علت، برهان آن نیز نامیده می‌شود (بحرانی، ۱۴۰۶: ۳۵). امام صادق (علیه السلام) در پاسخ شبهه عدم وجود پروردگار با فرمودن عبارت «وجود امورات (گوناگون)، دال بر وجود کنش گری است که آنها انجام داده است» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۲۴۴) از این برهان برای اثبات خالق هستی بهره گرفت. ایشان با توجه دادن منکران وجود آفریدگار، به پیدایش دگرگونی، کاستی، فزونی و نابودی پدیده‌های هستی بر وجود مدبّر یگانه هستی استدلال کردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۴: ۷۸). هم‌چنین برای زدودن شبهه زندیقی که با عبارت «كَيْفَ يَغْدُ اللَّهُ الْخُلُقَ وَ لَمْ يَرْوُهُ؟» مردم چگونه خدا را بیرستند در حالی‌ه او را نمی‌بینند؟» بیان شده بود، توجه دانشمندان به کیفیت خلقت و توجه به پدیده‌های هستی را سبب یافتن براهینی برای اثبات خالق حکیم برای آنها دانستند (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۳۶). بهره‌گیری از توجه به آثار برای پی بردن به مؤثر در این نحوه استدلال آشکار است.

شبّهات ایجاد شده برای افراد گاهی جنبه موضوعی و مصداقی دارد. برای نمونه تشخیص مدعیان نبوت از پیامبران راستین، در حوزه شبّهات موضوعی قابل ارزیابی است. امام صادق (علیه السلام) برای زدودن این شبهه، آثار نبوت مانند بهره‌مندی از حکمت استوار و انجام معجزات را نشانه‌هایی برای پی بردن به حقایق پیام آور حقیقی پروردگار معرفی کردند (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۲۵۰).

۴-۶. محسوس سازی معقولات و بهره از تنظیر و تمثیل

بهره از تنظیر و تمثیل، برای نزدیک ساختن شناخت گزاره‌های پیچیده به جهان پدیدار، از روش‌های پاسخ‌گویی به شبّهات شمرده می‌شود. تصویر پردازی و محسوس

کردن مطالب عقلی و نظری برای مخاطبانی که توان درک گزاره‌های ژرف را ندارند، مفید خواهد بود. تشبیه رستاخیز انسان به زایش هستی در بهار در پاسخ شبهه منکران معاد (فاطر: ۱۹) نمونه‌ای از کاربرست این روش در قرآن است.

بنا بر گزارش هشام بن حکم، امام صادق (ع) در پاسخ شبهه شخص مادی گرایی که دلیلی برای اثبات عالم نمی‌دید، به بیان نمونه‌ای پرداخت. در این نمونه، پدیده‌های هستی به ساختمانی تشبیه شده که از راه دیدن عظمت آن، به وجود سازنده‌ای کاردان پی برده می‌شود (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۲۰۰).

ابو شاکر دیصانی یکی از معارضان یگانه پرستی و امامت بود. وی به گمان خویش، ایرادی بر قرآن یافته بود و از این راه بر هشام بن حکم شبهه نمود. وی وجود آیه «وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ؛ او کسی است که در آسمان معبود است و در زمین معبود؛ و او حکیم و علیم است!» (زخرف: ۸۴) در قرآن را تصدیقی برای باور به دوگانه پرستی می‌دانست. هشام بن حکم این استدلال بر امام صادق (ع) عرضه نمود. امام (ع) وی را بر وجود وجوه مختلف کلام آگاه ساخته و نام افراد در شهرهای مختلف را تنظیری برای این مسأله دانست (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۱۲۹). بر این اساس، نامیدن یک موجود در دو عرصه به نام واحد، به معنای دوگانه بودن آن نخواهد بود.

در گزارشی دیگر امام (ع) برای زدودن شبهه وی پیرامون عدم وجود پروردگار، هستی را به تخم مرغی تشبیه کرد که شگفتی‌های آن، کمتر از پیچیدگی‌های موجود در تخم مرغ مانند پوسته استوار، وجود مایع میانی و مایع مرکزی، ساز و کار عدم امتزاج این دو با هم، و تولید پرندگان گوناگون از آن نیست. بنا بر گزارش‌های تاریخی، دیصانی با شنیدن این استدلال، به دین اسلام مشرف گردید (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۱۹۷). هم‌چنین در شبهه آفرینش بی ثمر پوست زاید ختنه گاه، حکمت و گذاشتن جراحی این پوست به بشر را با اموری چون بریدن ناف پیوسته مادر و کودک و ازاله ناخن‌ها و موی آدمی تنظیر نموده (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۴۳) و از این طریق به یکی از اصول بنیادین هستی یعنی اجرای امور الهی بوسیله اسباب اشاره نمودند. در نمونه‌ای دیگر، آن حضرت برای زدودن شبهه ضرورت غیبت امام دوازدهم، به غیبت برخی از انبیای پیشین اشاره کرده و با بیان علل غیبت آنها، برخی از همان دلایل را برای ضرورت غیبت امام عصر (عج) کافی دانستند (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۲: ۴۸۲).

۵-۶. آگاهی دادن به پیامدها و لوازم پذیرش شبهه

یکی دیگر از روش‌های پاسخ‌گویی به شبهات، نشان دادن دوگانگی و ناهم‌آوایی در مقدمات یا نتایج گزاره حاوی شبهه است. این ناهمخوانی سبب رفوزش بنیان‌های شبهه در هم‌آوردی با عقل می‌گردد. آشکار کردن پیامدها و لازمه‌های یک گزاره، در زدودن انگاره‌های نادرست در آن موضوع نقش‌آفرین خواهد بود.

امام صادق (ع) لازمه باور به رؤیت پروردگار را امور محالی چون جسمانیت و توفیق مخلوق بر خالق دانسته و از روش بیان ملازمه‌های نادرست، بطلان شبهه‌ای که با عبارت «أَلَيْسَ هُوَ قَادِرًا أَنْ يَظْهَرَ لَهُمْ حَتَّى يَرَوْهُ وَ يَعْرِفُوهُ فَيُعْبَدَ عَلَى يَقِينٍ؟ آیا قادر نیست که برای مردم ظاهر شود تا دیده و شناخته شود و بر اساس یقین پرستش شود؟» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰: ۱۶۴) بیان شده‌بود، پاسخ گفتند.

هم چنین باور به شبهه عدم رعایت عدالت در موروثی بودن نبوت را ملازم با مؤلفه‌هایی چون آمیختگی نسب افراد غیر درستکار برای انعقاد نطفه پیامبران دانست و با اثبات ضرورت محفوظ ماندن پیامبران از آلودگی‌های خانوادگی، فکری و رفتاری مردمان محیط رشد و حیات پیامبران، موروثی بودن نبوت را عاملی برای مصون ماندن پیامبران از آسیب‌های پیش گفته دانستند (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۳۷).

ایشان لازمه باور به خلقت اولیه هستی از ماده را در غلطیدن به وادی تسلسل دانسته و به شبهه «كَيْفَ يَجِيءُ مِنْ لَا شَيْءٍ، شَيْءٌ؟ چگونه از عدم، شیء (وجود) ایجاد می‌شود؟» پاسخ گفتند (حر عاملی، ۱۴۱۸، ۱: ۱۵۲). ایشان در ابطال شبهه مادی بودن منشاء هستی، لازمه این باور را قدیم بودن اولین ماده تشکیل هستی دانسته و تبدیل آن به اشیاء دیگر را سبب ایجاد تغییر و تبدیل در آن بیان کرده‌اند. و از آنجا که این نتیجه، ماده اولیه استدلال یعنی قدّم هستی را نقض می‌کند، نادرست بودن انگاره اول آشکار می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰: ۱۶۶).

هم چنین در پاسخ به شبهه «أَمْ مُخْتَلَفٌ خَالِقٌ أَمْ مُؤْتَلَفٌ؟ آیا خالق مختلف است یا مؤتلف؟» و چگونگی جمع میان وحدت پرودگار و کثرت هستی، لازمه هر دو طرف این شبهه را باور به مادی بودن شیء بودن پرودگار دانسته و بر وحدت غیر عددی پرودگار استدلال کردند (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۳۸).

ایشان لازمه باور به توانمندی ساحران بر تبدیل انسان‌ها به حیوانات را، شریک قاتل شدن برای پروردگار در امر آفرینش دانست و از ابطال لازمه این انگاره یعنی عدم

توحید در خالقیت، ملزوم آن یعنی باور به توانمندی جادوگران بر تغییر خلقت آدمی را باطل ساخت (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰: ۱۶۹).

شبهه معروف تقدیر شرور برای بندگان در دستگاه ربوبی، دست مایه کنایه یکی از خداناباوران عصر امام صادق (ع) به وجود پرودگار گرفته بود که به شکل «أَفَيَجُوزُ أَنْ يَقْدَرَ عَلَى الْعَبْدِ الشَّرُّ وَ يَأْمُرَهُ بِالْخَيْرِ وَ هُوَ لَا يَسْتَطِيعُ الْخَيْرَ أَنْ يَعْمَلَهُ وَ يَعْدَبَهُ عَلَيْهِ؟» آیا جایز است خداوند برای بنده ای، شر را مقدر سازد و او را به انجام نیکی امر نماید و به همان سبب عذابش کند؟» (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۴۱) بیان شد. امام (ع) برای پاسخ این شبهه، عقاب بر امری که گریزی از آن نیست را خلاف عدل دانسته و با اثبات عدل پروردگار، شرور عالم را برآمده از کنش‌های آدمی معرفی کردند. در این رویه، لازمه باور به تقدیر شرور در جبین آدمی، عدم عدالت پرودگار (معاذالله) دانسته شده و از راه ابطال لازم، ملزوم نیز بی اساس دانسته شده است.

یکی از معارضان اسلام در عصر صادقین (ع)، شخصی به نام جعد بن درهم بود. وی برای شبهه‌گری در وجود پروردگار، در شیشه‌ای مقداری خاک و آب ریخت. پس از چند روز حشرات در آن شیشه پدید آمدند. وی مدعی شد که این حشرات را او آفریده است. امام صادق (ع) برای پاسخ به شبهه‌گری وی، اموری چون توانمندی تغییر آن موجودات و آگاهی از تعداد و جنسیت آنها را لازمه دانش خالق دانست (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰: ۲۰۱). و از آنجا که جعد بن درهم برهیچ یک از این امور آگاه نبود، بطلان ادعای او را ثابت کرد.

هم چنین در پاسخ شبهه‌ای که با عبارت «فَلِمَ حَرَّمَ الزَّنا؟» به چه دلیلی زنا حرام است؟» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰: ۱۸۱) بیان شده بود، قطع موارث و نسبت‌های خویشی، فساد اخلاقی و ایجاد بی‌مهری را لازمه‌های خلل آفرین اعتقاد به جواز زنا در جامعه و خانواده دانست.

۶-۶. بهره‌گیری از دانش‌های تجربی و یافته‌های دانشوران آگاه

بایستگی استواری فرضیه‌ها و گزاره‌های علمی بر برهان و مؤلفه‌های دانش محور محل تردید نیست. امام صادق (ع)، دانش‌های بشری را پشتیبان و تکیه گاه ادعاهای علمی دانسته و عدم بهره از این بنیان‌ها را مصداق مجادله بدون علم برشمردند (کلینی، ۱۴۲۹، ۹: ۳۸۰). در عصر صادقین (ع)، دانش‌های مسلمین در حوزه‌هایی مانند تفسیر، فقه، اصول فقه و حکمت، گستره و عمق قابل توجهی پیدا کرده بود. امام

صادق علیه السلام با آگاهی از میزان دانش‌های مخاطب، پاسخگویی خود به شبهات را بر دانش‌های رایج در آن دوره مستند می‌ساخت.

هم‌چنین، نبود دانشوران آگاه در امور دین را مایه نابسامانی‌ها و ایجاد شکاف در نظام معرفتی جامعه دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۹۱؛ حرّانی، ۱۴۰۳: ۳۵۱). ایشان یکی از عوامل ایجاد تردید را چنین بیان می‌فرمایند: «شکاکان، اسباب و معانی خلقت را نمی‌دانند و اندیشه‌هایشان از درنگ بر حکت ناتوان است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳: ۵۹). بدین طریق نا آگاهی، کوه اندیشی و تلاش گریزی از سبب آگاهی را مایه ایجاد شبهات دانسته‌اند.

یکی از مخالفان مکتب توحیدی انبیاء، آفرینش حیوانات مودی در عالم را بی ثمر دانسته و خلقت آنها را مخالف تدبیر برای هستی می‌پنداشت. امام صادق علیه السلام برای زدودن شبهه وی به بیان منافع علمی وجود حشرات و حیوانات به ظاهر آزار دهنده پرداخت. برای نمونه فرمودند: «زهر عقرب برای درد مثانه و شب ادراری مفید است، گوشت مار افعی با نشادر برای جذامی مفید است و کرم‌های باغچه برای بیماری خوره بکار می‌روند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰: ۱۷۳).

بهره از دانش‌های پزشکی، روان‌شناختی و انسان‌شناسی نیز برخی مؤلفه‌های پاسخ‌های امام ششم شمرده می‌شوند. برای نمونه، خدا ناباوری به علت حرمت گوشت مردار اشکال داشته و شبهه خود را به عدم تفاوت میان گوشت مردار و حیوان ذبح شده بنا نهاده بود. امام صادق علیه السلام، به برخی ویژگی‌های زیستی این دو گوشت مانند جامد شدن خون مردار در میان گوشت‌هایش و سنگین شدن آن اشاره نموده و نتیجه آنرا لذیذ نبودن چنین گوشتی برشمرد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۴: ۱۰۳). هم‌چنین در پاسخ شبهه «فَلَيْمَ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى الْخَمْرَ وَ لَا لَذَّةَ أَفْضَلُ مِنْهَا؛ چرا خداوند نوشیدنی‌های سکر آور را حرام کرد، در حالی که لذتی برتر از آن وجود ندارد؟» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰: ۱۸۰) به یکی از اثرات پزشکی شراب بر بدن یعنی کاسته شدن قدرت تشخیص و اراده استناد فرمودند.

بهره از دانش اصول مبحث الفاظ و معانی برای شاگردان امام شناخته شده بود و پیشینه آن به عصر امام باقر علیه السلام بازمی‌گشت. امام علیه السلام برای پاسخ به درگیری ذهنی هشام بن حکم پیرامون چگونگی جمع میان توحید صفاتی با اسامی گوناگون پروردگار فرمود: «نام و صاحب نام متفاوتند... ولی خداوند معنایی است که هر یک از این نام‌ها

بر او دلالت دارند و همه غیر از اویند. هر کس صاحب نام را بپرستند یگانه پرست است و هر کس نام و صاحب نام را با هم یا فقط نام را بپرستد کافر است» (حرعاملی، ۱۴۱۸، ۱: ۱۶۴). امام (ع) در این استدلال بر دلالت الفاظ مشترک بر معنای واحد استناد فرمودند.

افزون بر این موارد امام (ع) بهره از افراد توانمند و آگاه در دانش‌ها را یکی از راه‌های زدودن شبهات در عرصه‌های معرفتی و موضوعی می‌دانند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۷: ۱۰۶).

۶-۷. شناخت خاستگاه، انگیزه و جریان‌های ایجاد شبهات

یافتن ریشه‌های حزبی، اخلاقی، مذهبی و سیاسی طرح و بیان شبهات و نیز انگیزه‌های آنها در شبهاتی که منبع معلومی دارند در فهم دقیق گزاره‌های حاوی شبهه، آماده سازی پاسخ و اقناع مخاطبین نا آگاه از آنها بسیار مفید است. این روند که به جریان‌شناسی نام بردار است، در پاره‌ای موارد می‌تواند در قامت هشدار دهنده مناسب برای رهنمایی حیرت‌زده‌گان و تردیدکنندگان کارساز باشد.

امام صادق (ع) خواسته‌های نفسانی را یکی از موانع خردورزی دانسته و حاصل آن را ایجاد شبهات ارزیابی می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱: ۱۳۰). ایشان یکی از سنجه‌های شناخت صدق از کذب را انگیزه و قصد بیان معانی معرفی کرده و تنها گزاره‌هایی را حق طلبانه و رشد آفرین می‌دانند که از اعتقاد استوار قلبی برآمده باشند (همان، ج ۶۸، ص ۱۱). هم‌چنین اساس اختلافات اجتماعی و شبهات فکری را زائیده مخالفت مردمان با حجت‌های زمانه خویش دانستند (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۳۸). و نیز وجود گروه‌هایی مانند مرجئه، قدریه، حروریه و زیدیه را مایه ایجاد شبهاتی درباره امامت و آموزه‌های توحیدی در برخی شیعیان مانند محمد طیار ارزیابی کرده و تنها راه زدودن این شبهات را دوری از آنها و مراجعه به اهل بیت (ع) دانسته‌اند (کشی، ۱۳۶۳، ۲: ۳۶۷).

امام ششم (ع)، خاستگاه شبهه کشته شدن بی‌گناهان به واسطه قیام‌های منتسبین به اهل بیت (ع) را ایجاد انحراف فکری دولت‌های وقت در میان مردم، سردرگمی مردم در شناخت امام واقعی و زیاده‌خواهی برخی منسوبان به آل ابی طالب دانستند (طبرسی، ۱۴۰، ۲: ۳۷۵). هم‌چنین انگیزه‌های شخصی افرادی مانند مغیره بن سعید را عاملی برای ایجاد شبهات شناختی در آموزه‌های حدیثی دانسته‌اند

(کَشی، ۱۳۶۳، ۲: ۴۹۰). وجود گروه‌هایی مانند مرجئه، قَدَرِیّه و خوارج نیز عاملی برای بی‌اعتمادی و شبهه در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام شمرده شده‌است (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۲: ۳۹۵؛ صفّار، ۱۴۰۴، ۱: ۵۳۸). هم‌چنین یکی از عوامل ایجاد شبهات توحیدی در میان مسلمین را آزاد گذاشتن باورهای مشرکانه دانستند (کلینی، ۱۴۲۹، ۴: ۱۹۹).

امام علیه‌السلام در پاسخ نامه مفّصل بن عمر پیرامون نحوه پاسخ‌گویی به خداناباوران، علت شبهه‌گری آنان را تنها ناآگاهی از دلایل معرفتی نمی‌داند، بلکه روش‌های رفتاری ایشان مانند ظلم و ارتکاب گناهان گوناگون را مایه مسدود شدن راه‌های ادراک واقعیت می‌داند (احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ۴: ۲۸). هم‌چنین گسترش باور به ازلی بودن اشیاء را به سبب تلاش‌های مخالفان پیامبران و نظریه وجود تدبیر در عالم دانسته و با تبیین دیدگاه‌های اسطوره گونه آنها، از فرو افتادن به دام چنین گروه‌هایی زنه‌ار داده‌اند (حر عاملی، ۱۴۱۸، ۱: ۱۵۳).

ایشان باور به خلق اشیاء از طینت مودی همراه پرودگار را، باوری زاییده فرقه دیصانیّه دانسته که هیچ استدلال و برهانی بر آن وجود ندارد و تنها زاییده افکاری است که سر مخالفت با انبیاء را داشتند (حرعاملی، ۱۴۱۸، ۱: ۱۳۲). هم‌چنین عبارت شبهه گونه «اعْرِفْ وَ اعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنَ الْخَيْرِ» (آنان را) بشناس و هر کار نیکی خواستی انجام بده را که دال بر اختیار در انجام واجبات و ترک محرمات برای دوستداران معصومین بود را برآمده از اندیشه ناروایی دانست که در پی گسترش اباحه‌گری است (صفار، ۱۴۰۴، ۱: ۵۳۲).

مؤسس مذهب جعفری، در پاسخ به شبهه‌گری یکی از غالیان به نام ابو الخطّاب (کَشی، ۱۳۶۳، ۲: ۵۷۶؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۵۰). در باور به تمثیل انسانی پدیده‌هایی چون نماز، روزه، خمس، زنا و خمر، خاستگاه اندیشه او را دشمنی با اهل بیت دانسته و بطلان این شبهه را با استناد بر کرداری بودن عبادات و ناروایی تفسیر تمثلی آنها در آیات قرآن، آشکار ساختند (صفار، ۱۴۰۴، ۱: ۵۳۶). هم‌چنین، ایشان برای اثبات ناهمسویی خود با برخی جریان‌های شبهه آلود، به افرادی مانند ابوسلمه خلال که نزد وی می‌آمدند، بی‌اعتنایی می‌نمود (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۲۰۸).

نتیجه‌گیری

اثربخشی در پاسخ‌گویی به شبهات، نیازمند کاربست مؤلفه‌های گوناگون رفتاری،

روشی و شناختی است. در سپهر مؤلفه‌های شناختی، دو عنصر عقل و نقل، نقش آفرین هستند. بهره از عقل در دو حوزه رویکردها و گزینش مواد اولیه پاسخ‌ها قابل ارزیابی است. با دقت در گزاره‌های حدیثی منتسب به سیره امام صادق (ع) می‌توان دریافت که ایشان با توجه به مواد اولیه استدلال و روش تبیین شبهات، رویکردهای متناسبی را برای پاسخ‌گویی برمی‌گزیدند. نمونه‌هایی از بهره‌وری امام صادق (ع) از گوهر خرد در قامت ماده اولیه استدلال در فرآیند پاسخ‌گویی به شبهات عبارتند از: کشف مغالطات موجود در شبهه، گستراندن دامنه روش‌های شناخت، کاربست انواع برهان، محسوس‌سازی معقولات، آگاهی‌دادن به بایسته‌ها و لوازم پذیرش شبهه، بهره‌گیری از دانش‌های تجربی و یافته‌های علمی و نیز شناخت جریان‌ها و انگیزه‌های ایجاد شبهات. شش گام نخستین را می‌توان فرآیند پاسخ‌گویی به هر گزاره شبهه‌آلود دانست. گام‌نهایی نیز تنها در شبهاتی با منبع مشخص قابل بهره‌برداری است. کشف مغالطاتی چون قیاس ناروا، تشبیه نادرست، بهانه‌جویی، ادعای بدون دلیل، پیش‌فرض‌های نادرست و نیز مغالطه‌کنه و وجه‌اولین گام این مراحل است. پس از تشویق به گسترش دامنه معرفت‌شناسی، بهره از براهینی مانند معقولیت، سبر و تقسیم، خلف، تمانع و علیت نیز سومین قدم این فرآیند است. محسوس‌سازی معقولات و بهره از انواع دانش‌های استوار تجربی، گام‌های بعدی ارزیابی می‌شوند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۸ق، *التوحید*، ایران، قم، اول، دارالکتب الاسلامیه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲ش، *الخصال*، قم، اول، جامعه مدرسین.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، *علل الشرائع*، قم، اول، کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، دوم، اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۶. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، ۱۳۸۵ق، *دعائم الاسلام*، قم، دوم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۳۹۵ق.
۷. ابن طقطقی، محمد بن علی، ۱۳۶۷، *تاریخ فخری در آداب مملکت داری و دولتهای اسلامی*، ترجمه محمد وحید گلیپایگانی، تهران، علمی و فرهنگی.
۸. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۹. احمدی میانجی، علی، ۱۴۲۶ق، *مکاتیب الائمہ*، قم، دارالحديث.
۱۰. انوری، حسن، ۱۳۸۱، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، سخن.
۱۱. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ۱۳۷۴ش، *البرهان في تفسير القرآن*، قم، اول، مؤسسه البعثه.
۱۲. بحرانی، میثم بن علی، ۱۴۰۶ق، *قواعد المرام في علم الکلام*، قم، دوم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
۱۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، قم، دوم، دار الکتب الاسلامیه.
۱۴. برنجکار، رضا، ۱۳۹۸، *روش شناسی علم کلام*، تهران، سمت، دوم.
۱۵. جصاص، احمد بن علی، ۱۴۰۵ق، *احکام القرآن* (جصاص)، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
۱۶. حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، قم، دوم، جامعه مدرسین.

۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۸ ق، *الفصول المهمة في أصول الأئمة*، قم، اول، موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع).
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *تفصيل وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة*، قم، آل البيت (ع).
۱۹. حکيم، محمد تقی، ۱۹۷۹ م، *الاصول العامه للفقہ المقارن*، قم، دوم، آل البيت (ع).
۲۰. حلی، حسن بن يوسف، ۱۴۱۱ ق، *رجال العلامة الحلی*، نجف اشرف، دار الذخائر.
۲۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳ ش، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات الالفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.
۲۳. زمزمی، یحیی، ۱۴۱۴ ق، *الحوار آدابه و ضوابطه فی ضوء الكتاب والسنة*، مکه، دارالتربیه والتراث.
۲۴. سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۴۲۳ ق، *تهذيب الاصول*، *تقرير دروس امام خمینی (ع)*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
۲۵. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ۱۳۶۴، *الملل و النحل*، قم، شریف رضی.
۲۶. صالح، صبحی، ۱۳۸۶، *نهج البلاغه*، تهران، راه علم.
۲۷. صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ ق، *بصائر الدرجات في فضائل آل محمد (ع)*، ایران؛ قم، دوم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
۲۸. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، *احتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، اول، نشر مرتضی.
۲۹. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ ق، *تهذيب الأحكام* (تحقیق خراسان)، تهران، چهارم، دار الکتب الاسلامیه.
۳۰. عارفی شیرداغی، محمد اسحاق، ۱۳۹۸، *روش‌شناسی معارف دینی*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۳۱. عاملی نباطی، علی من محمد، ۱۳۸۴ ق، *الصراط المستقیم إلى مستحقّي التقديّم*، نجف، اول، المکتبه الحیدریه.
۳۲. علم الهدی، علی بن حسین، ۱۹۹۸ م، *أمالی المرتضی*، قاهره، اول، دارالفکر العربی.

۳۳. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، *تفسیر العیاشی*، تهران، اول، المطبعه العلمیه.
۳۴. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۸۵، *منطق ۲*، تهران، دانشگاه پیام نور.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
۳۶. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۰۶ ق، *الوافی*، اصفهان، اول، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
۳۷. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر الصافی*، تهران، چاپ: دوم، مکتبه الصدر.
۳۸. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۳۷۱ ش، *نوادیر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین*، تهران، اول، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳۹. کشی، محمد بن عمر، ۱۳۶۳ ش، *رجال کشی*، المعروف اختیار معرفة الرجال (مع تعلیقات میر داماد الأسترآبادی)، قم، چاپ: اول، موسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دوم، دار إحياء التراث العربی.
۴۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۴ ق، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران، دوم، دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. محمدرضایی، محمد، ۱۳۸۳، *الهیات فلسفی*، قم، بوستان کتاب.
۴۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۴، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، تهران، ششم، صدر.
۴۴. میناگر، غلامرضا، ۱۳۹۸، *روش شناسی صدر المتألهین*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.